

مصداق بداء قرآن کریم

ام کلثوم محمدی
دبیر آموزش و پرورش

تقدیر الهی

چکیده

بداء از آموزه‌های معصومین - علیهم السلام - است و به شیعه اختصاص دارد. بر اساس این عقیده شیعه، خداوند مقدرات خود را در مورد هستی و انسان، از روی حکمت تغییر می‌دهد. تحقق بداء در مورد مقدرات مربوط به انسان‌ها به سبب آن است که اعمال آن‌ها در تقدیر و سرنوشتشان تأثیرگذار است. در مقاله حاضر درباره مصادیق بداء، به خصوص در قرآن، بحث می‌شود.

کلیدواژه‌ها: بداء، محو و اثبات، قضا و قدر، مصادیق بداء، علامه طباطبایی

نزول عذاب بر قوم حضرت یونس (ع)

از بارزترین مصادیقی که برای بداء عنوان شده، تغییر تقدیر عذاب برای قوم حضرت یونس (ع) است. قرآن در این باره می‌فرماید: «فلو لا کانت قریه امنت فنفعها ایمانها الا قوم یونس لما امنوا کشفنا عنهم عذاب الخزی فی الحیوه الدنیا و متعنا هم الی حین» (یونس / ۹۸).

از این آیه معلوم می‌شود که به علت نافرمانی و گناه، عذابی برای قوم یونس مقدر گردیده و حتی مقدمات تحقق عذاب هم فراهم شده است، اما آنان قبل از نزول عذاب ایمان آوردند و توبه کردند. در نتیجه بداء ظاهر شد و خدا عذاب را از آنان برطرف کرد.

علامه در المیزان به استناد قول معصوم (ع) داستان نجات قوم یونس را مصداقی برای بداء شمرده و روایتی از امام باقر (ع) ذکر کرده است که فرمود: یک قسم از نسخ، بداء است که آیه «یمحو الله ما یشاء و یتبث و عنده ام الكتاب» مشتمل بر آن است. همچنین داستان نجات قوم یونس یکی از مصادیق آن است (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۸۶). به نظر می‌رسد علامه مضمون روایت را بیان کرده است.

مصادیق بداء

در قرآن کریم و نیز اخبار رسیده از معصومین - علیهم السلام - شواهدی وجود دارد که علما آن‌ها را مصادیقی برای بداء دانسته‌اند. در اینجا برخی از شواهد و اموری که اندیشمندان اسلامی آن‌ها را از مصادیق بداء شمرده‌اند، بیان می‌شود.

مأموریت حضرت ابراهیم به ذبح اسماعیل

داستان حضرت ابراهیم (ع) و دستور خدا به قربانی کردن فرزندش و سپس تغییر آن رأی، خود از برجسته‌ترین مصادیق بداء از طرف خداوند تلقی شده است (سجادی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۵۰۳). در جریان مأموریت حضرت ابراهیم (ع) به قربانی کردن اسماعیل، در عمل چیز دیگری اتفاق افتاد که انتظار نمی‌رفت. کارد بر گلوی اسماعیل عمل نکرد و قربانی کردن گوسفندی از بهشت جایگزین ذبح اسماعیل شد. برخی از علما با توجه به روایتی از قول امام صادق (ع)، این مورد را مصداقی برای بداء برشمرده‌اند. روایت این است: «ما بدالله بداء کما بدا له فی اسماعیل ابی اذا امر اباه بذبحه ثم فداه بذبح عظیم»: هیچ بدائی برای خدا پیش نیامد؛ آن چنان که در مورد پدرم اسماعیل پیش آمد؛ زیرا خدا به پدرش فرمان داده بود او را ذبح کند و سپس او را با یک قربانی بزرگ باز خرید (مجلسی، ج ۴: ۱۰۹؛ کمرهای، ج ۱: ۴۲۶، حدیث ۱۲).

محبوس ماندن حضرت یونس (ع) در شکم ماهی

ماجرای خود حضرت یونس (ع) که در آیه ۱۴۳ سوره صافات بدان اشاره شده، مصداقی دیگر برای بداء است. یونس (ع) به دلیل ترک اولایی که کرد، تقدیرش این شد که در شکم ماهی عظیم‌الجثه‌ای تا روز قیامت زندانی شود، اما پس از توبه‌اش این تقدیر تغییر کرد و خدا او را نجات داد. آیه این است: «فلو لا أنه کان من المسبحین * للبت فی بطنه الی یوم یبعثون» (صافات / ۱۴۳-۱۴۴). دلیل بر بداء در این قضیه آن است که خداوند می‌فرماید اگر توبه یونس نبود و اگر از مسبحین نبود، تا قیامت در شکم ماهی محبوس می‌ماند؛ یعنی، زندانی شدن تا روز قیامت تقدیر او بود؛ چنان که علامه آیه را مؤید این می‌داند که اگر توبه او نبود، در روز قیامت یونس از شکم ماهی برانگیخته می‌شد؛ همان‌طور که مردم از قبرها برانگیخته خواهند شد (طباطبایی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۲۵۷؛ طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۱۷: ۱۷۱).

میقات حضرت موسی(ع)

که بدان علم داشت، خیر داده بود. خداوند در سوره اعراف و بقره به این جریان اشاره فرموده است. در آیه ۵۱ سوره بقره می‌فرماید: «و اذ واعدنا موسی اربعین ليله ثم اتخذتم العجل من بعده و انتم ظالمون» و نیز در آیه ۴۲ سوره اعراف می‌فرماید: «و واعدنا موسی ثلاثین ليله و اتمناها بعشر فتم میقات ربه اربعین ليله...».

علامه در تفسیر این آیات، ضمن آوردن روایاتی توضیح داده است که آیه دوم آیه اول را تفسیر می‌کند. بدین صورت که خدا موسی را برای مدت سی شب به درگاه خود نزدیک

حضرت موسی(ع) در جریان میقات، از غیبت سی روزه خود از میان قومش خبر داد و هارون را در آن مدت جانشین خود کرد. به فرمایش خداوند در قرآن، ده روز هم به این سی روز اضافه شد. این امر سبب یا بهانه‌ای شد که قضیه معروف سامری و گوساله پرستی بنی‌اسرائیل رخ دهد. ظاهر امر این بود که حرف پیامبر خدا راست در نیامد (کذب بود)، اما واقع مطلب این بود که موسی(ع) از این تغییر تقدیر یا به عبارت دیگر، تقدیر دوم، آگاه نبود و به قوم خود فقط از تقدیر اولی



یونس(ع) به دلیل ترك اولای که کرد، تقدیرش این شد که در شکم ماهی عظیم‌الجثه‌ای تا روز بعث زندانی شود، اما پس از توبه‌اش این تقدیر تغییر کرد و خدا او را نجات داد



کمره ای در شرح کافی می گوید: جای این تعبیر است که لم یکن الانسان موجودا فیدلله ان یخلقه: انسانی در میان نبود و برای خدا این جلوه «رخ داد» که او را خلق کند. از این عبارت کمره ای معلوم می شود که آفرینش انسان مصداق برای بداء است

علامه این روایت را مؤید آن می داند که چهل شب، مجموع دو مواعده بوده است (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۸: ۳۶۷ و نیز ج ۱: ۲۵۰ و ۲۵۲).

این موضوع در تفسیر نمونه به این صورت آمده است که مأموریت موسی سی روزه بود و برای امتحان مردم تمدید شد. گرچه در متن واقع، بنابر چهل روز بود، اما خدا برای آزمایش مردم، نخست موسی را برای مواعده سی روزه دعوت نمود. سپس آن را تمدید کرد تا منافقان بنی اسرائیل صفوف خود را مشخص سازند. با توجه به ارجاع تفسیر نمونه، روایت امام باقر(ع) در تفسیرهای دیگر^۲ نیز آمده است. (تفسیر نمونه، ذیل ۵۱ بقره، ج ۱: ۴۰۶-۴۰۵).

با مقایسه بیان علامه در سوره بقره و اعراف معلوم می شود که علامه در اولی مضمون روایت را گفته و با آوردن کلمه بداء این واقعه را مصداقی برای بداء دانسته است.

علامه عسکری آیه ۹۸ سوره یونس و ۵۱ سوره بقره و ۱۴۲ سوره اعراف را دلیل بر بداء آورده است. بنابراین، از نظر وی ماجرای برداشته شدن عذاب از قوم یونس(ع) و تبدیل شدن سی شب به چهل شب برای حضرت موسی(ع) از مصداق بداء

ساخته و ده شب دیگر نیز برای اتمام آن گفت و گوها بر آن افزوده و در نتیجه میقات موسی با پروردگارش چهل شب تمام شده است. از عبارت «فتّم میقات ربه اربعین لیله» معلوم می شود مواعده حضرت موسی(ع) ابتدا فقط سی روز بوده است و ذکر مواعده چهل روز در آیه ۵۱ سوره بقره یا به دلیل این است که قسمت عمده چهل روز توقف موسی به مواعده قبلی بوده (که در اصطلاح آن را تغلیب گویند) یا اینکه ده شب بعد، طبق مواعده دیگری بوده است؛ یعنی چهل شب، مجموع دو مواعده است.

علامه ذیل آیه مذکور از سوره اعراف، حدیثی از امام باقر(ع) آورده است که وقتی موسی می خواست از میان بنی اسرائیل خارج شود، وعده داد که بعد از سی روز برگردد. چون خدای تعالی ده روز دیگر بر مدت میقات افزود و در نتیجه مراجعت موسی ده روز عقب افتاد، گفتند موسی با ما خلاف وعده عمل کرد.

همچنین، ذیل آیه ۵۱ سوره بقره باز از حضرت باقر(ع) روایتی آمده است که فرمود: در علم و تقدیر خدا مواعده سی شب بود. سپس بداء حاصل شد و ده شب اضافه کرد.

است (عسکری، ۱۳۸۶: ۱۶۶-۱۶۸ و رسالهٔ بدهاء، بی تا: ۱۸).

خلق انسان و موجودات دیگر و از بین بردن آن‌ها (زنده کردن و میراندن)

کمره ای در شرح کافی می گوید: جای این تعبیر است که لم یکن الانسان موجوداً فبدالله أن یخلقه: انسانی در میان نبود و برای خدا این جلوه «رخ داد» که او را خلق کند. از این عبارت کمره ای معلوم می شود که آفرینش انسان مصداقی برای بدهاء است (کلینی، کمره ای، ۱۳۷۵: ۶۲۴).

علامه در میزان به این مطلب اشاره کرده که در بعضی اخبار، از ائمه اهل بیت رسیده است که مرگ امام قبلی و قیام امام بعدی در جای او را نسخ خوانده اند (طباطبایی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۲۵۸). در اینجا ممکن است این مسئله مطرح شود که حدیث ناظر بر نسخ است؛ در حالی که عنوان مورد بحث، ذکر مصادیق برای بدهاء است. در پاسخ باید گفت با توجه به اینکه علامه به صراحت گفته است که نسخ تکوینی همان بدهاء است، بنابراین هر مصداقی که برای نسخ تکوینی قائل شود، از نظر ایشان مصداق بدهاء می باشد.

نسخ شریعت‌ها و احکام پیشین

برخی از علما نسخ شریعت‌ها و نسخ احکام تشریحی را بدهاء شمرده اند. از جمله آن‌ها شیخ صدوق است (صدوق، ۱۳۹۸ ق: ۳۳۵). برخی با توجه به این نظر ابن بابویه، نسخ شرایع و احکام پیشین را با شریعت پیغمبر اسلام و ممنوع کردن کتاب‌های گذشته را با نزول قرآن از مصادیق بدهاء عنوان کرده اند (مکدر موت، ۱۳۸۴: ۴۴۲).

علامه تصریحی ندارد بر اینکه نسخ شریعت‌ها یا احکام تشریحی قبلی، از مصادیق بدهاء است یا نه اما با توجه به اینکه به صراحت، نسخ تکوینی را بدهاء معرفی کرده است، بدهاء را اخص از نسخ می داند؛ یعنی، به نظر وی نسبت بین بدهاء و نسخ، عموم و خصوص مطلق است. هر بدائی نسخ است اما هر نسخی بدهاء نیست. بنابراین، می توان گفت از دید او نسخ نسخ شریعت‌ها و احکام تشریحی بدهاء محسوب نمی شود یا اینکه ما دلیلی بر آن نیافتیم.

نمونه‌های بدهاء فراوان است و به موارد فوق محدود نیست. چنان که روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است، مبنی بر اینکه حضرت عیسی (ع) از کشته شدن نوعروسی خبر داد، ولی این پیشگویی به واقعیت نپیوست؛ زیرا او به رسم معهود خود صدقه داده بود و این امر سبب شد تقدیر مرگ او تغییر یابد و از نیش مار سومی در امان بماند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴: ۹۴).

حضرت رضا (ع) در گفت‌وگویی با سلیمان مروزی فرمود: یکی از پیامبران به امر خدا به سراغ یکی از ملوک رفت و از

فرارسیدن مرگش خبر داد. آن ملک به درگاه خدا دعا کرد تا اجل او به تأخیر افتد. دعایش مستجاب شد و خداوند بار دیگر همان پیامبر را برای ابلاغ تقدیر جدید نزد ملک فرستاد (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴: ۹۵-۹۶).

مکدر موت پس از بیان نظر ابن بابویه و با توجه به آن، نسخ شریعت‌ها و نسخ احکام پیشین با شریعت پیغمبر اسلام و ممنوع کردن کتاب‌های گذشته را با نزول قرآن، از مصادیق بدهاء مطرح کرده است (مکدر موت، ۱۳۸۴: پاورقی ۴۴۲).

پی‌نوشت‌ها

۱. در صحت روایتی که به دو صورت از امام صادق نقل شده و بیانگر بدهاء در اسماعیل پدر یا اسماعیل فرزند است، تردیدهایی وجود دارد اما اکثر علما، از جمله صاحب کتاب اصول کافی، آن را در کتاب‌های خویش ذکر کرده اند. ۲. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۳۳. نورالثقلین، ج ۱، ص ۸۰ و ج ۲، ص ۶۱. مؤسسه اسماعیلیان، طبع چهارم، قسم، ۱۴۱۲ ق. کافی، ج ۱، دارالکتب الاسلامیه، ص ۳۶۸. بخار، ج ۴، ص ۱۳۲ و ج ۱۳، ص ۲۲۸ و ج ۵، ص ۱۱۸. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۶. چاپخانهٔ علمیه تهران، ۱۳۸۰ ق.

منابع

۱. الاعلی الحائری، محمدحسین؛ دایره‌المعارف الشیعیه العامه، جزء ۶، ج دوم، بیروت، مؤسسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۲ ق.
۲. ابن اثیر، مبارک؛ النهایه فی غریب الحدیث و الاثر. طاهر احمد زاوی و محمود محمود طناوی، ج ۱، قاهره، ۱۳۸۳ ق.
۳. ابن سبیده، علی بن اسماعیل؛ المحکم و المحيط الاعظم، ج ۱۰، ج اول، مصطفی حجازی (تحقیق)، اول، قاهره، ۱۴۱۸ ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب. امین محمد عبدالوهاب و محمد الصادق العنسی (تصحیح)، ج ۱، ج اول، دار احیاء التراث العربی. مؤسسسه التاریخ العربی، بیروت.
۵. ابن فارس، احمد؛ مجمل اللغه، زهیر عبدالمحسن سلطان (تحقیق)، ج ۱، ج دوم، مؤسسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۶. ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغه، ج ۱، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۱ ق.
۷. الجوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، جزء الاول، ج ۱، ج اول، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، انتشارات امیری، ۱۳۶۸ ق.
۸. دادبه، اصغر؛ دایره‌المعارف تشیع، ج ۳، ج اول، مؤسسسه دایره‌المعارف تشیع، ۱۳۷۱.
۹. رخشاد، محمدحسین؛ در محضر علامه، چ ششم، انتشارات سماء قلم، قم، ۱۳۸۶.
۱۰. سجادی، جعفر؛ دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ج اول، تهران، مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۱.
۱۱. سیدعلوی، ابراهیم؛ «متد نقد و تحقیق حدیث از نظر علامه طباطبایی»، کیهان اندیشه، شماره ۲۶، دو ماهنامه، قم، مؤسسسه کیهان، ۱۳۶۸.
۱۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ التوحید، هاشم حسینی تهرانی (تصحیح)، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۹۸ ق.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین؛ ترجمه میزان، ج ۱۱، چ ششم، موسوی همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۷۶.
۱۴. طباطبایی، محمدحسین؛ مجموعه رسائل العلامه الطباطبائی، ج اول، الشیخ صباح الریبعی (تحقیق)، قم، انتشارات باقیات، ۱۴۲۸ ق.
۱۵. الفراهیدی، الخلیل احمد؛ کتاب العین، ج ۱، چاپ اول، تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، تصحیح اسعد الطیب، انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. کلینی رازی، محمد بن یعقوب؛ الاصول من الکافی، ج ۱، طباطبایی (تعلیق)، ج ۱، بیروت، دارالصعب، دارالتعارف، ۱۴۰۱ ق.
۱۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان؛ اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، ۱۳۷۲.
۱۸. میرداماد، محمد باقر؛ نبراس الضیاء، احمد ناجی اصفهانی (تصحیح)، ملاعلی نوری (تعلیقات)، تهران، هجرت، ۱۳۷۴.

